

کودتای سران ایلات علیه کودتاگر

۱۶ مرداد ۱۴۰۰ ساعت ۱۵:۴۲

داستان رفتارهای غیرانسانی و کشتارهای وحشیانه ارتش رضاخانی در برخورد با عشایر، بسیار تلخ و دردآور است. کافی است بدانیم که سپهبد امیر احمدی، لقب قصاب لرستان؛ سپهبد جان محمدخان، لقب قصاب ترکمن صحرا؛ و سپهبد شیبانی لقب قصاب بویراحمدی و تعداد دیگری از افسران ارشد نیز افتخار لقب قصابی در مناطق دیگر کشور را به دست آوردند...

رضاشاه پایه‌های قدرت خود را پله به پله و با اقدامات متعدد انجام داد. یکی از پایه‌های مهم در راستای تکوین دولت مطلقه و یا استبدادی، حذف گروه‌های محلی پراکنده از جمله عشایر بود. این سیاست تحت عنوان سیاست یکجانشینی انجام گرفت. یکجانشینی عشایر که به همان تخته قاپو معروف است طی چند سال و با خشونت هر چه تمام انجام شد و منجر به زندانی و کشته شدن تعداد زیادی از سران ایلات و عشایر شد. این سیاست با فراز و نشیب‌های زیادی همراه بود و نارضایتی بخش‌های وسیعی از عشایر را به دنبال داشت. از آنجا که این سیاست با تعدی به مال و جان عشایر صورت گرفت، مقابله عشایر با حکومت مرکزی را به همراه داشت که در مواردی منجر به ترف قوای دولتی توسط سران عشایر شد.

سیاست تخته قاپو چه بود و چگونه انجام شد؟

رضاخان از همان ابتدای روی کار آمدن خود، سیاست تمرکز قدرت مرکزی را در پیش گرفت. او در راستای این سیاست هر آنچه را که از نظر او مزاحم قدرت مرکزی بود از سر راه برداشت. این سیاست مستلزم لشکرکشی و جنگ با سران عشایر و قبایل بود. بر این اساس، رضاخان از سال ۱۳۰۲ تا ۱۳۱۲ به لشکرکشی و جنگ با عشایر پرداخت. او در این راه عده زیادی از سران عشایر را دستگیر و زندانی کرد و تعداد کثیری از آنان را به قتل رساند. رضاشاه در مسیر اجرای این سیاست، از هیچ ظلم و تعدی فروگذاری نکرد. او به بهانه سرکوب سران متمرّد ایلات و عشایر، به غارت اموال آنان پرداخت و بسیاری از آنان را به گلوله بست. در یکی از گزارش‌های مربوط به این سرکوب آمده است: «صحنه هولناک گذراندن مردان و زنان سالخورده و کودکان از صدها کیلومتر زمین خشک و لم یزرع تبعید از خانه و کاشانه شان در غرب ایران به مناطق دورافتاده خراسان به خوبی در این گزارش‌ها انعکاس یافته است. ناراحت کننده تر از آن شرح مفصل کشتار مردم در ژوئیه سال ۱۹۳۵ در مشهد است. چنانکه وزیرمختار آمریکا توصیف کرده، نیروهای ارتش به دستور شخص شاه به تظاهرکنندگان حمله کردند و استفاده از تیربار موجب تلفات هولناکی شد.»^۱

این سیاست به قدری با خشونت بالا همراه بود که بسیاری معتقد بودند سیاست عشایری رضاشاه، تمام هستی عشایر را هدف قرار داد. داستان رفتارهای غیرانسانی و کشتارهای وحشیانه ارتش رضاخانی در برخورد با عشایر، بسیار تلخ و دردآور است. کافی است

بدانیم که سپهبد امیر احمدی، لقب قصاب لرستان؛ سپهبد جان محمدخان، لقب قصاب ترکمن صحرا؛ و سپهبد شیبانی لقب قصاب بویراحمدی و تعداد دیگری از افسران ارشد نیز افتخار لقب قصابی در مناطق دیگر کشور را به دست آوردند.^۲

گاوین همبلی از نویسندگانی که در تاریخ معاصر ایران به تحقیق و تفحص پرداخته، معتقد است: «در تاریخ حکومت پهلوی در ایران به سختی می توان صفحه‌ای سیاه‌تر از تعقیب و آزار عشایر توسط مزدوران جیره‌خوار رضاشاه یافت.»^۳ گرچه سیاست تخته‌قاپو در سراسر کشور انجام شد، اما از آنجا که ایلات بختیاری نسبت به سایر ایلات، از جمعیت زیادی برخوردار بودند، تبعات این سیاست در ایلات بختیاری بیشتر احساس شد. از سویی مقاومت ایلات بختیاری نسبت به این سیاست بیشتر از جاهای دیگر بود. چنانچه بر اثر این سیاست، چند تن از سران ایلات بختیاری همچون شیخ علی‌خان بیرانوند و محمدعلی خان حسنونند در سال ۱۳۰۲ دستگیر و اعدام شدند و به دنبال آن «عشایر بیرانوند و بالاگریوه و چگنی به خونخواهی شیخ علی‌خان بیرانوند قرآن مهر کرده و در اردیبهشت ۱۳۰۳، شهر خرم‌آباد را محاصره کردند و در ۲۶ خرداد بر تنگ زاهد شیر تسلط پیدا کرده، تعداد زیادی از نیروهای نظامی را کشتند. بار دیگر دولت، عده‌ای از سران عشایر را ابتدا تأمین کرده، سپس اعدامشان کرد.»^۴ این مقابله سرآغاز رویارویی ایلات با حکومت مرکزی بود که در مواردی باعث پیروزی ایلات شد و مرگ تعداد زیادی از مأموران حکومتی را نیز به همراه داشت. تا جایی که برخی از آن به عنوان شورش و قیام نافرجام ایلات علیه رضاشاه یاد کرده‌اند.

قیام نافرجام ایلات علیه حکومت مرکزی

رویارویی ایلات و عشایر از همان آغاز سیاست تخته‌قاپو جریان یافت و در مواردی ضربه‌هایی بر مأموران حکومتی وارد ساخت. تا جایی که در سال ۱۳۰۷ «عشایر دلفان» «سرلشکر طهماسبی وزیر راه را در گردنه رازان» به قتل رسانند.^۵ این مقابله تا سال ۱۳۱۰ نیز ادامه داشت. در سال ۱۳۰۸، رویارویی حکومت و عشایر به بدترین وضعیت خود رسید. در این سال یکی از سران ایل بختیاری به نام علیمردان خان بختیاری به درگیری با رضاشاه پرداخت که تا سال ۱۳۱۳ ادامه داشت.

علیمردان خان در آن دوره با تشکیل جمعیتی به نام هیئت اجتماعی بختیاری، تصمیم به مقابله با مأموران حکومتی را گرفت. گفته شده است او در مبارزه با حکومت، حدود ۲۰ روز یک تیپ ارتش را به محاصره خود درآورد. علیمردان خان و یارانش در مسیر مبارزه خود، شهرکرد را به تصرف درآوردند و توانستند چند تن از مأموران بلندپایه نظامی را که برای مقابله با آنها آمده بودند دستگیر کنند. اما در نهایت رضاشاه توانست با ترفند مذاکره و وعده‌های دروغین، نیروهای دولتی را از چند سو به سمت آنان روانه کرده و در نهایت باعث شکست و تسلیم آنان گردد. «بعد از سرکوب شورش بختیاری‌ها به رهبری علیمردانخان، سرکردگان شورش تأمین گرفته و در تهران تحت نظر قرار گرفتند. اما بتدریج بسیاری از آنان نیز دستگیر شدند. در بین دستگیرشدگان کسانی چون سردار اسعد نیز بود. او در سال ۱۳۱۲ به جرم کودتا علیه رضا شاه دستگیر شد. گفته شده است که او قصد داشت با مشارکت حسین خان دره‌شوری از خوانین قشقایی و تعدادی از خوانین بختیاری رضاشاه را به وسیله تفنگچیان بختیاری به هنگامی که از گردنه چالوس عبور می‌کرده است ترور کرده و خود قدرت را در دست بگیرد.»^۶ با این حال رضاشاه توانست تا سال ۱۳۱۳ بر سایر سران قبایل و عشایر نیز غلبه کرده و با دستگیری، زندانی و اعدام برخی از آنان سیاست خود را با خشونت هر چه تمام انجام دهد.

رضاشاه سیاست مبارزه با ایلات و عشایر را با اهداف گوناگون به اجرا درآورد. او در مسیر اجرای این سیاست، از خشونت و تجاوز به مال و جان عشایر نیز بهره برد و در نهایت توانست به اهداف خود در این زمینه جامه عمل بپوشاند. اما این ظاهر قضیه بود، چرا که بعد از سقوط حکومت رضاشاه، عشایر خانه و مسکن خود را رها کرده و مجدداً به زندگی کوچ‌نشینی برگشتند. این خود تأکیدی است بر ناکامی رضاشاه در اجرای این سیاست و ناکارآمدی اجرای سیاست‌ها با زور و خشونت.

فهرست منابع

۱. محمدقلی مجد، رضاشاه و بریتانیا بر اساس اسناد وزارت خارجه آمریکا، مترجم مصطفی امیری؛ ویراستار علی اکبر رنجبر کرمانی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۹، ص ۲۵.
- . موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سقوط: مجموعه مقالات نخستین همایش بررسی علل فروپاشی سلطنت پهلوی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴، ص ۷۸۹.
- گاوین همبلی، خودکامگی پهلوی، در سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر، چاپ دوم، تهران، طرح نو، چاپ دوم، ۱۳۷۲، ص ۳۲.
- نفیسه واعظ شهرستانی، "انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی شورش‌های عشایری در دوره رضاشاه" پیام بهارستان، سال ۴، شماره ۱۴، (زمستان ۱۳۹۰) ص ۲۸۴.
- همانجا.
- صمد کاوسی رکعتی، سجاد کاظمی، "رضاشاه و راهکارهای وی در سلب قدرت از خوانین ایالت جنوب (بختیاری، بویراحمدی و قشقایی)" فصلنامه آرشیو ملی، سال دوم، شماره اول، شماره پیاپی ۵، (بهار ۱۳۹۵) ص ۱۰۱

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۴۸۴۶۶/کودتاگر-علیه-ایلات-سراز-کودتا/۴۸۴۶۶>